



## رابطه اخلاق با علم فقه

پدیدآورنده (ها) : سبحانی، جعفر

فلسفه و کلام :: نشریه درسهایی از مکتب اسلام :: شهریور ۱۳۹۱ - شماره ۶۱۶

صفحات : از ۷ تا ۱۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/900458>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- جای خالی فقه الاخلاق
- مقایسه و نسبت‌سنجی فقه و اخلاق از منظر مبانی و روش
- در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات
- روشنفکران دینی و مدرنیزاسیون فقه (۱)
- سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرایم منافی عفت در ایران
- پیشگیری وضعی از جرایم جنسی
- جایگاه و گونه های روش عقلی در علم کلام
- نام های مختلف علم کلام
- نقش زنان بزه دیده در ارتکاب جرایم جنسی
- کاربردهای تأمیینی و پزشکی، سیاستی درمان‌محور در مقابله با تکرار رفتارهای منحرفانه و مجرمانه جنسی
- فلسفه علم فقه در بوته نقد؛ نقدی بر کتاب (( فلسفه علم فقه )) حجت الاسلام و المسلمین سعید ضیایی فر، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۳۹۳
- دغدغه نظام سازی دینی «شهید صدر و فقه اهداف»

## عناوین مشابه

- نسبت و رابطه دانش فقه و علم اخلاق از منظر فیض کاشانی
- نسبت و رابطه ی علم کلام با دانش اصول فقه
- بررسی رابطه فقه و اخلاق و تطبیق آن با حقوق اسلامی
- رابطه اخلاق با علم مدیریت
- سنجش سواد زیست‌محیطی و رابطه آن با اخلاق زیست‌محیطی
- رابطه شاخص های انتخاب تکنولوژی مبتنی بر مزیت رقابتی با اخلاق حرفه ای در تجهیز واحدهای صنعتی
- پائین دستی پتروشیمی
- تعیین رابطه تفکر استراتژیک با قابلیت نوآوری و عملکرد نوآورانه شرکت‌های دانش بنیان مستقر در پارک علم و فناوری خراسان رضوی
- علم فقه و بایسته‌های آن در نسبت با علوم انسانی و مسائل امروز (تقریری از دروس خارج فقه حضرت آیت‌الله سیدمحمود هاشمی شاهرودی)
- معیار حجیت در اصول فقه، درهمه مسائل علم کلام و اخلاق کارایی ندارد
- بررسی رابطه اخلاق حرف های و انگیزش با توجه به نقش میانجی مدیریت مشارکتی (مطالعه موردی: شعب بانک ملی استان گلستان)

## رابطه اخلاق با علم فقه

بحثی علمی و تطبیقی دربارهٔ رابطهٔ اخلاق با علم فقه،  
اشتراک مسایل فقه و اخلاق، تفاوت ارزش و دانش، اخلاق  
مطلق و اخلاق نسبی.

سخن پیرامون ارتباط دانش فقه با دانش اخلاق است. گاهی گفته می‌شود علم فقه نیز مثل اخلاق است. مثلاً اخلاق می‌گوید راستی و راست‌گویی اجمالاً زیباست و دروغ‌گویی اجمالاً قبیح است. فقه اسلامی نیز مبین همین است که راست‌گویی واجب و دروغ‌گویی حرام است. یا مثلاً اخلاق می‌گوید عمل به پیمان، زیبا و حَسَن است فقه هم می‌گوید عمل به پیمان واجب است.

پس تفاوت اخلاق با علم فقه چیست؟ پاسخ این است که به‌طور کلی اخلاق با فقه، موضوعاً و محمولاً دو علم متمایزند. اخلاق دربارهٔ صفات درونی انسان سخن می‌گوید در حالی که بحث فقه دربارهٔ افعال بیرونی انسان است.

صفات درونی انسان مانند: شجاعت، بخل، حسد و...

افعال برونی او مانند: نماز، روزه، زکات، جهاد و...

بنابراین تفاوت، هم در موضوع و هم در محمول است. موضوع اخلاق، رذایل و فضایل است اما موضوع فقه، افعال مکلفین. مرحوم بحرالعلوم در ارجوزه منسوب به او می‌گوید:

موضوعه (فقه) فعل المكلفینا غایته الفوز بعلیینا

موضوع فقه، افعال مکلفین؛ و هدف آن نایل شدن به درجات علیین است.

همچنین محمول در اخلاق، حَسَن یا

قبیح است حال آن‌که محمول در فقه، یکی از احکام پنج‌گانه واجب و حرام و مکروه و مستحب و مباح است.

آن‌چه تاکنون گفتیم، مربوط به اخلاق نظری بود اما در مقایسه اخلاق عملی با فقه، گاهی موضوع هر دوی آن‌ها یکی است اما محمول آن‌ها قطعاً فرق دارد. مثلاً صدق، کذب، پیمان‌شکنی و عمل به پیمان از موضوعات اخلاق عملی است که موضوع فقه هم هست. اما محمول‌ها فرق دارد. مثلاً

در اخلاق عملی، عقل نمی‌گوید فلان امر واجب است یا واجب نیست زیرا عقل چنین حقی ندارد، بلکه عقل می‌گوید این صفت خوب است و آن صفت بد است پس فقط این شرع است که می‌تواند بگوید: راست‌گویی واجب است و دروغ‌گویی حرام است.

### اشتراک مسایل فقه و اخلاق

چنان که گفته شد، اشتراک مسایل فقه و اخلاق فقط مربوط به حوزه اخلاق عملی است. بنابراین میان فقه و اخلاق نظری هیچ اشتراکی نیست. پیش از این نیز گفته شد. که موضوع اخلاق نظری، فضایل و مناقب نفسانی (خلق و خوی انسانی) است و چون درباره درون بحث می‌کند، موضوعاً و محمولاً با فقه تفاوت دارد. اخلاق، دورنگر است و فقه، برون‌نگر. اخلاق در صفات بحث می‌کند و فقه در افعال. محمول اخلاق، حسن یا قبیح است اما محمول فقه واجب یا غیر واجب.

مرحوم ملا احمد نراقی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ق) در معراج السعادة می‌فرماید: «موضوع این علم (اخلاق)، نفس ناطقه انسانی است که اشرف انواع کائنات و افضل طوایف ممکنات است و به واسطه این علم، از حضيض مرتبه بهایم به اوج عالم ملانگ عروج می‌نماید. پس فایده علم اخلاق، پاک‌ساختن نفس از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله است که از آن به تهذیب نفس تعبیر می‌شود و ثمره تهذیب اخلاق، رسیدن به خیر و سعادت ابدی است.»

این گفتار ملا احمد، ناظر به اخلاق نظری است و لذا می‌گوید موضوعش نفس و ملکات نفسانی و پاک‌کردن نفس است.

### نیاز به علم اخلاق با وجود علم فقه

آیا با وجود علم فقه نیازی به اخلاق هست؟ می‌گوییم آری هست. قبلاً گفته شد که اخلاق، خصوصاً اخلاق نظری درباره مسایل درونی انسان

است یعنی ملکات حسنه و ملکات سیئه؛ بنابراین باید دانست که فقه هرگز در آن جاها راه ندارد. کار فقه، تنظیم زندگی فردی و اجتماعی است و لذا در این تنظیم، نیاز به صدور نظم‌نامه‌ای است به این صورت که بگوید: نماز واجب است، روزه واجب است، جهاد واجب است، رشوه حرام است، غیبت حرام است و...

البته اگر کسی به فقه عمل کند، مسلماً سعادت در کنارش هست و این جای

اخلاق، خصوصاً اخلاق نظری درباره مسایل درونی انسان است یعنی ملکات حسنه و ملکات سیئه؛ بنابراین باید دانست که فقه هرگز در آن جاها راه ندارد. کار فقه، تنظیم زندگی فردی و اجتماعی است و لذا در این تنظیم، نیاز به صدور نظم‌نامه‌ای است به این صورت که بگوید: نماز واجب است، روزه واجب است، جهاد واجب است، رشوه حرام است، غیبت حرام است و...

بحث نیست. اما علم فقه، ما را از علم اخلاق بی‌نیاز نمی‌کند. اخلاق خصوصاً اخلاق نظری با مطالعه روی نفس می‌گوید این نفس چه چیزش فضیلت و چه چیزش رذیلت است؟ و چه باید کرد که انسان دارای فضایل شود یا از روی رذایل دوری گزیند؟ این گزاره‌ها در علم فقه نیست و در حوزه اخلاق می‌گنجد. باید توجه داشت که ما نمی‌خواهیم از مقام فقه بکاهیم؛ بلکه قائل به این هستیم که هر علمی برای خود جایگاه و موضعی دارد. بنابراین همان‌طوری که علم فقه، بی‌نیاز از علم کلام و ادبیات عرب نیست، از علم اخلاق هم بی‌نیاز نمی‌باشد.

مرحوم شهید در لعمه می‌فرماید: برای فقیه چهارده علم لازم است و فقیه مستغنی از اخلاق نیست. ملا احمد نراقی با ۶۰ سال عمر، با این‌که یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های فقه را به نام: «مستند الشیعه» نوشته، ولی در عین حال چنان

که گفته شد، در کنار این اثر بزرگ، کتاب «معراج السعادة» را نیز تألیف نموده است. پدرش ملا مهدی نراقی نیز در فقه کتاب عظیمی دارد اما در عین حال کتاب اخلاقی «جامع السعادات» را نیز نگاشته است.

### تفاوت ارزش و دانش

در معارف، به معنی اعم دو مقوله به نام‌های ارزش و دانش مطرح است. ارزش همان اخلاق است و دانش، دانستن است. ارزش غیر از دانش بوده و دانش غیر از ارزش است. ارزش، هم‌اَش به اخلاق بازمی‌گردد؛ اما دانش دانستنی‌هایی است که از قرآن و غیر آن می‌آموزیم.

در معارف، به معنی اعم دو مقوله به نام‌های ارزش و دانش مطرح است. ارزش همان اخلاق است و دانش، دانستن است. ارزش غیر از دانش بوده و دانش غیر از ارزش است. ارزش، هم‌اَش به اخلاق بازمی‌گردد؛ اما دانش دانستنی‌هایی است که از قرآن و غیر آن می‌آموزیم.

### نسبیت اخلاق

ما معتقدیم اخلاق مطلق است و نسبی نیست. بنابراین راست‌گویی در تمام عالم در تمام محیط‌ها و در تمام ظروف، نیکو است و پیمان‌شکنی در تمام زمان‌ها و تمام شرایط زشت و مذموم است. مغرب‌زمین در مقابل اخلاق مطلق به اخلاق نسبی نیز معتقد شده است. اخلاق نسبی یعنی ممکن است خلقی در محیطی زیبا و حسن باشد اما در محیط دیگر نه. عده‌ای می‌گویند اخلاق نسبی است و بنابراین اخلاق اسلامی، اخلاقی مطلق که در تمام قاره‌ها عملی باشد، نبوده و مربوط به تمام زمان‌ها هم نمی‌باشد؛ پس ممکن است در برخی مناطق و زمان‌ها این اخلاق تغییر کرده و ضد اخلاق بشود.

ظاهراً مدعیان اخلاق نسبی، بین رسوم و آداب ملت‌ها و بین اخلاق خلط کرده‌اند. رسوم، امری است دارای مراحل گوناگون که مرحله به مرحله آن دارای تفاوت است. مثلاً در مرحله‌ای با کلاه بودن ممکن است خوب باشد اما در مرحله و در جای دیگر نه. فرض کنید احترام در یک محیط نظامی با احترامی که در محیط خانه انجام می‌شود، تفاوت دارد. ممکن است فرهنگ ملتی چیزی باشد و فرهنگ ملت دیگر چیزی دیگر. مثلاً فرهنگ یک ملت این است که هر موقع مهمان برایش بیاید قبلاً باید جلوی خانه را برای او آب و جارو کند ولی در فرهنگی دیگر این رسم نبوده و این کار لازم نیست.

بنابراین بحث ما در رسوم نیست، بلکه در احکام قطعی عقل است. اخلاق از احکام نظری عقل است. عقل قاطعانه می‌گوید پیمان شکنی در همه جا قبیح است؛ مثلاً اگر همه قاره‌ها را زیر پا بگذاریم و به ابنای بشر بگوییم نظر شما در مورد ظلم، شکستن عهد و دروغ‌گویی چیست؟ خواهند گفت که همه این‌ها، کارهای زشت و ناپسندی هستند.

بنابراین ما نباید رسوم، فرهنگ و آداب ملت‌ها را با اخلاق نظری و اخلاق عملی خلط کنیم. فرهنگ‌ها عوض می‌شوند اما اخلاق عوض شدنی نیست. اخلاق مانند فرمول‌های ریاضی ثابت است و هم‌چنان که جدول ضرب همه جا و در مناطق گوناگون یکی است هم‌چنین اخلاق عملی - نه آداب و رسوم و فرهنگ‌ها - هم یکسان و ثابت است. بنابراین اخلاقی که مربوط به درون و از احکام عقل است، همواره مانند کوه‌هایی راسخ و استوار، ثابت است.